فرهیختگان

@farhikhtegandaily

WWW.FDN.IR

«فرهیختگان» از ۶دهه مذاکرات صلح اعراب و رژیم صهیونیستی گزارش می‌دهد

شکست مصالحه، دست بالای مقاومت

رژیم صهیونیستی پس از اعلام موجودیت در سال ۱۹۴۸ یکی از معضلات بزرگ سیاست خارجی آمریکا بوده است. آواره شدن بخش زیادی از فلسطینیان و نیز قتل‌عام آنان توسط صهیونیست‌ها، باعث خشم مسلمانان و اعراب از بزرگ‌ترین حامی رژیم صهیونیستی یعنی آمریکا شد. بدبینی افکار عمومی مردم خاورمیانه، کار آمریکا را برای اجرای طرح‌هایش در این منطقه سخت کرد. همین مساله موجب شد مسئولان آمریکایی همزمان با تلاش‌هایشان برای حفظ موجودیت رژیم صهیونیستی، افکار عمومی منطقه را نیز با خود همراه کنند. روسای جمهور آمریکا پس از جنگ‌های اعراب و اسرائیل کوشیدند با میانجیگری میان طرفین درگیری، ضمن تثبیت رژیم صهیونیستی، صلح را به غرب آسیا بازگردانند. این اتفاق پس از گذشت بیش از یک دهه از جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی، آغاز شد، اما تمامی طرح‌های آمریکا و متحدانش در ۶دهه گذشته برای حل یا به عبارت بهتر سرپوش گذاشتن بر بحران فلسطین، به شکست انجامیده است. شاید بتوان گفت تنها دستاورد این اقدامات، امضای قراردادهای صلح میان مصر و اردن با رژیم صهیونیستی بوده است. در این ۶دهه تمام روسای جمهور آمریکا، به دنبال پایان دادن به بحران بین اعراب و رژیم صهیونیستی بودند تا از این طریق امنیت را به سرزمین‌های اشغالی بازگردانند اما درنهایت، هیچ‌موفقیتی کسب نکردند. حالا دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا نیز می‌خواهد شانس خود را در این زمینه امتحان کند. او حداقل در بعد رسانه‌ای دست پرتر از همتایان سابقش وارد شد و نام طرح سازش فلسطین و رژیم صهیونیستی را «معامله قرن» گذاشت. طراحان معامله قرن که همه یهودی هستند، اولین گام رونمایی از طرح خود را به مساله اقتصادی اختصاص دادند شاید از این طریق بتوانند راه ناتمام روسای جمهور سابق آمریکا را بپیمایند. برهمین اساس نیز گام نخست این طرح، نشست اقتصادی است که در منامه پایتخت بحرین با هدف جذب سرمایه‌گذار برای طرح‌های اقتصادی برگزار خواهد شد. هنوز از اصلی‌ترین بخش این طرح که مربوط به زمین است، رونمایی نشده تا اصلی‌ترین اختلاف همچنان پابرجا بماند. اما به نظر می‌رسد در این مسیر ترامپ از روسای جمهور سابق خود تنهاتر است. تاکنون هیچ‌کدام از گروه‌های فلسطینی موافقتی را نسبت به اجرای معامله قرن و نشست بحرین نشان نداده‌اند. اردن و مصر به‌عنوان دوکشور دیگر مورد هدف طرح معامله قرن نیز روی خوشی به آن نشان نداده‌اند. لبنان، سوریه و ایران نیز از دیگر طرف‌های منطقه‌ای هستند که مخالف اجرای معامله قرنند و در نشست بحرین شرکت نمی‌کنند. علاوه‌بر کشورهای مسلمان، قدرت‌های جهانی هم خواهان همراهی با آمریکا در این طرح نیستند. روسیه و چین هم اعلام کرده‌اند در نشست منامه شرکت نخواهند کرد. با وجود مخالفت‌های اساسی با این طرح، حتی اگر مورد قبول واقع شود، تجربه تمامی توافقات پیشین نشان می‌دهد صهیونیست‌ها هیچ‌گاه به توافقات خود پایبند نبودند و همین مساله باعث از سرگیری تنش‌ها بین دوطرف شده است. در ادامه به بررسی توافقات ناکام دوطرف پرداخته‌ایم.

طرح صلح راجرز

در نوامبر ۱۹۶۷، شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از جنگ ۶ روزه اعراب و رژیم صهیونیستی، قطعنامه ۲۴۲ را که به حل مسالمت‌آمیز مناقشه دوطرف اشاره داشت، تصویب کرد. در این قطعنامه «معاوضه زمین با صلح» اصلی‌ترین پیشنهاد بود. این قطعنامه از رژیم صهیونیستی می‌خواست که نیروهای مسلحش را از سرزمین‌هایی که در جریان جنگ ۱۹۶۷ اشغال کرده، خارج کند. اکتبر ۱۹۶۹، «ویلیام راجرز»، وزیر امور خارجه آمریکا، پیشنهاد آتش‌بس ۹۰ روزه و عقب‌نشینی رژیم صهیونیستی به مرزهای سال ۱۹۶۷ را برای برقراری صلح در خاورمیانه به مصر، اردن، رژیم صهیونیستی و اتحاد جماهیر شوروی ارائه داد. این پیشنهادها که به «طرح صلح راجرز» معروف شد، بر پایه قطعنامه ۲۴۲ سازمان ملل تنظیم شده بود. «جمال عبدالناصر» معتقد بود که صهیونیست‌ها هیچ‌گاه به مواد این طرح که شامل عقب‌نشینی از اراضی اشغالی سال ۱۹۶۷ می‌شد، تن نخواهد داد و همین‌طور هم شد. صهیونیست‌ها به بهانه اینکه در قطعنامه صرفا گفته شده «تخلیه سرزمین‌ها» مدعی بودند این عبارت لزوما به معنی تخلیه «تمام سرزمین‌ها» از نیروهای صهیونیست نیست.

موافقتنامه کمپ دیوید

طرح صلح راجرز به دلیل عدم همراهی رژیم صهیونیستی به شکست منجر شد تا زمینه برای جنگی دیگر در اکتبر ۱۹۷۳ مهیا شود. چهارمین نبرد خونین بین اعراب و رژیم صهیونیستی، انور سادات، رئیس جمهور مصر را به این نتیجه رساند که اعراب توان تقابل دیگری را ندارند. او بر همین اساس در نوامبر ۱۹۷۷ به سرزمین‌های اشغالی سفر کرد. جیمی کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا به دنبال این اتفاق، انور سادات رئیس جمهور مصر و مناخم بگین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی را به کمپ دیوید استراحتگاه روسای جمهور آمریکا دعوت کرد. ۱۷ سپتامبر ۱۹۷۸ سادات و بگین در استراحتگاه کارتر در مریلند بعد از حدود ۱۲ روز مذاکره تصمیم گرفتند توافق صلح خود را در حضور رئیس جمهوری آمریکا اعلام کنند. در این توافق هرچند ابراز امیدواری شده بود که راهی برای حل «مشکل فلسطین» پیدا شود اما، هیچ نقشی در تهیه توافق در نظر گرفته نشد. در کنار این توافق، مصر و رژیم صهیونیستی پیمان صلحی به امضا رساندند تا قاهره، اولین کشور عربی باشد که رژیم صهیونیستی را به‌عنوان کشور به رسمیت می‌شناسد.

کنفرانس مادرید ۱۹۹۱

با شروع انتفاضه اول فلسطینیان در پاییز سال ۱۹۸۷ آمریکا تلاش کرد به قیام مردم فلسطین پایان دهد. کنفرانس مادرید توسط بوش پدر، رئیس جمهور آمریکا و جیمز بیکر، وزیر امور خارجه این کشور با همکاری اتحاد جماهیر شوروی طرح‌ریزی شد. کنفرانس مادرید از ۳۰ اکتبر ۱۹۹۱ آغاز شد و سه روز ادامه داشت. این کنفرانس با توجه به پیمان صلح مصر و رژیم صهیونیستی، از یک سو به دنبال ترغیب سایر کشورهای عرب به امضای پیمان مشابهی با تل‌آویو بود و از سوی دیگر به دنبال خاموش کردن آتش انتفاضه اول فلسطین که وارد چهارمین سال خود شده بود، برگزار شد. در این کنفرانس رژیم صهیونیستی، سازمان آزادی‌بخش فلسطین، کشورهای عربی سوریه، لبنان، مصر و اردن حضور داشتند. نتیجه نهایی این کنفرانس، پیمان صلح رژیم صهیونیستی و اردن در سال ۱۹۹۴ بود. پس از کنفرانس مادرید گفت‌وگوهایی بین رژیم صهیونیستی و سوریه و لبنان صورت گرفت ولی این گفت‌وگوها به بن بست رسید. بیش از ۱۰ بار دیگر نشست‌هایی ذیل این کنفرانس در واشنگتن برگزار شد.

پیمان اسلو ۱۹۹۳

مذاکرات منتهی به پیمان اسلو، نتیجه کنفرانس مادرید بود. این مذاکرات به‌صورت سری در بنیاد فافو در اسلو، واقع در نروژ انجام و سعی شد نقص گفت‌وگوهای سابق یعنی عدم مذاکره مستقیم بین فلسطینیان و صهیونیست‌ها برطرف شود. اهمیت مذاکرات این بود که رژیم صهیونیستی و سازمان آزادی‌بخش فلسطین نهایتا با شناسایی متقابل یکدیگر موافقت کردند. نتیجه این مذاکرات موافقتنامه‌ای بود که در ۱۳ سپتامبر سال ۱۹۹۳ با حضور بیل کلینتون رئیس جمهور وقت آمریکا در محوطه باغ کاخ سفید امضا شد. یاسر عرفات رهبر سازمان آزادی‌بخش فلسطین و اسحاق رابین نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی پس از امضای موافقتنامه با یکدیگر دست دادند. در این پیمان عقب‌نشینی نیروهای واکنش سریع رژیم صهیونیستی از بخش‌هایی از غزه و کرانه باختری دیده شده بود که البته رژیم صهیونیستی به آن عمل نکرد. در اواسط دهه ۹۰ میلادی چند انتقال قدرت و مسئولیت در نوار غزه و کرانه باختری به فلسطینیان انجام شد. رژیم صهیونیستی اما به بهانه موارد امنیتی حضور خود را در کرانه باختری حفظ کرد. پس از ترور اسحاق رابین به دست یک یهودی فرآیند سازش متوقف شد.

شرم‌الشیخ ۱ و ۲

چهارم سپتامبر سال ۱۹۹۹ یادداشتی توسط ایهود باراک نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی و یاسر عرفات در شرم‌الشیخ مصر و با نظارت مادلین البرایت وزیر خارجه آمریکا در حضور حسنی مبارک و ملک عبدالله پادشاه اردن امضا شد. هدف از امضای این یادداشت اجرای توافقنامه موقت امضا شده در سپتامبر ۱۹۹۵ در مورد کرانه باختری و نوار غزه و اجرای تمام توافقنامه‌های منعقد شده بین سازمان آزادی‌بخش فلسطین و رژیم صهیونیستی از سپتامبر ۱۹۹۳ به بعد بود. در این نشست دوطرف بر از سرگیری مذاکرات برای رسیدن به یک توافق دائمی توافق کردند. نشست دوم ۸ فوریه سال ۲۰۰۵ با حضور شارون نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، محمود عباس، حسنی مبارک و ملک عبدالله آغاز شد تا راهی برای پایان انتفاضه چهارساله دوم پیدا کنند. پس از جلسات شارون، مبارک، ملک عبدالله و عباس، حاضران بر پیشرفت فرآیند صلح منطبق با نقشه راه توافق کردند. نشست شرم‌الشیخ رسما به انتفاضه دوم که سران رژیم اشغالگر قدس و حامیان آن را به وحشت انداخته بود، پایان داد.

مذاکرات کمپ دیوید ۲

کمپ دیوید ۲ به رشته مذاکرات صلح خاورمیانه در سال ۲۰۰۰ که در کمپ دیوید برگزار شد، اطلاق می‌شود. بیل کلینتون تلاش کرد با بررسی مسائل نهایی از جمله تعیین مرزها، وضعیت بیت‌المقدس و پناهندگان، از این موضوع در انتخابات به نفع دموکرات‌ها بهره‌برداری کند. گفت‌وگوها در ماه جولای با شرکت ایهود باراک و یاسر عرفات انجام شد. مشکل اصلی این بود که حداکثر امتیازی که اسرائیلی‌ها حاضر به دادن آن بودند از حداقلی که فلسطینیان حاضر به قبول آن بودند، کمتر بود. فلسطینیان می‌خواستند مرزها به وضعیت قبل از سال ۱۹۶۷ بازگردد. بر همین اساس نیز این مذاکرات پس از دو هفته با شکست کامل روبه‌رو شد و دوطرف بدون حصول کمترین توافقی خاک آمریکا را ترک کردند. موضوع مالکیت بیت‌المقدس و تلاش هریک از دو هیات فلسطینی و اسرائیلی برای تبدیل این شهر به پایتخت خود مهم‌ترین موضوعی بود که بیشترین وقت نشست کمپ دیوید را به خود اختصاص داد. شکست تلاش‌های صلح کمپ دیوید موجب تجدید انتفاضه یا قیام فلسطینیان شد.

مقاومت کلینتون و مذاکرات طابا

پس از شکست مذاکرات کمپ دیوید ۲ بیل کلینتون تسلیم نشد و طرح جدیدی ارائه کرد بر اساس آن مذاکرات بیشتری در واشنگتن، قاهره و سپس در طابای مصر صورت گرفت. این تماس‌ها سطح بالا نبود ولی اختلافات کاهش یافت بدون اینکه حل شوند. در مورد وضعیت سرزمین‌ها انعطاف‌پذیری بیشتری نشان داده شد. بر اساس این طرح، ۹۴ تا ۹۶ درصد از کرانه باختری در اختیار فلسطین و ۸۰ درصد در اختیار شهرک‌نشینان تحت حکومت اسرائیل قرار می‌گرفت و در ازای این تل‌آویو یک تا ۳ درصد از خاک تحت اشغال خود را به فلسطین واگذار می‌کرد. در نشست طابا در ژانویه سال ۲۰۰۱ مذاکرات بر اساس طرح کلینتون ادامه یافت. هیات اسرائیلی نقشه جدیدی را ارائه کرد که بر اساس آن مناطق تحت اشغال رژیم صهیونیستی در کرانه باختری حذف شده بود. فلسطینی‌ها این طرح را به‌عنوان پایه مذاکرات بیشتر پذیرفتند ولی ایهود باراک در آن برهه مذاکره بیشتری انجام نداد. یک ماه بعد در فوریه سال ۲۰۰۱ اریل شارون به نخست‌وزیری رژیم صهیونیستی رسید و همه

طرح صلح عربستان سعودی

پس از شکست مذاکرات دوجانبه و از سرگیری مناقشات، در مارس سال ۲۰۰۲ اجلاس سران دولت‌های عربی در بیروت برگزار شد و با ارائه طرحی برای پایان دادن به درگیری‌های فلسطین-رژیم صهیونیستی به کار خود پایان داد. در این طرح برخورد چندجانبه با مساله و به‌خصوص به این موضوع اشاره شده بود که تمام جهان عرب خواستار پایان این مناقشه هستند. این طرح در غیاب یاسر عرفات، رئیس وقت تشکیلات خودگردان فلسطین تصویب شده بود. به موجب این طرح که ابتکار صلح عربی خوانده می‌شد رژیم صهیونیستی به مرزهای ژوئن سال ۱۹۶۷ برمی‌گشت، یک کشور فلسطینی در کرانه غربی و نوار غزه تاسیس می‌شد و «راه‌حل عادلانه‌ای» برای مشکل پناهندگان در نظر گرفته می‌شد. در مقابل، تمام کشورهای خاورمیانه، کشور اسرائیل را به رسمیت می‌شناختند. در اجلاس سران عرب در ریاض در سال ۲۰۰۷ یک بار دیگر ابتکار صلح عربی تایید شد. مساله اصلی، اجبار طرف‌های ذی‌ربط به مذاکره درباره همان مسائلی بود که تا آن موقع نتوانسته بودند در مورد آن به توافق برسند.

پیمان غیررسمی ژنو

با توجه به مشکلات موجود بر سر راه اجرای «نقشه راه»، سعی شد شیوه‌های دیگر جایگزین این طرح شود. حاصل این تلاش‌ها امضای پیمان ژنو بود. این عهدنامه ۵۰ صفحه‌ای نتیجه دو سال و نیم مذاکرات مخفیانه به رهبری یوسی بیلین وزیر سابق دادگستری رژیم صهیونیستی و یاسر عبد ربه وزیر سابق اطلاعات فلسطین است. مصالحه اصلی در این توافقنامه این بود که فلسطینیان کاملا از «حق بازگشت» در ازای تقریبا تمام خاک کرانه غربی صرف‌نظر می‌کنند. رژیم صهیونیستی از چند شهرک مهم یهودی‌نشین از حمله آریل صرف‌نظر خواهد کرد، اگرچه شهرک‌های نزدیک به مرز خود را حفظ و در مقابل زمین‌هایی در داخل اسرائیل را به فلسطینیان واگذار خواهد کرد. فلسطینیان حق تعیین بیت‌المقدس شرقی به‌عنوان پایتخت خود را خواهند داشت، اگرچه رژیم صهیونیستی حاکمیت خود بر دیوار غربی، در بخش قدیمی بیت‌المقدس را حفظ خواهد کرد. با این حال تل‌آویو این طرح را رد و آن را تلاشی برای تضعیف این رژیم توصیف کرد.

آناپولیس

۲۷ نوامبر سال ۲۰۰۷ در آکادمی نیروی دریایی آمریکا در شهر آناپولیس، ایالت مریلند آمریکا و با حضور رهبران مناطق خودگران فلسطینی و رژیم صهیونیستی و نمایندگان کشورهای عربی و با میزبانی ایالات متحده آمریکا، کنفرانس آناپولیس با هدف از سرگیری روند صلح تشکیل شد. ایهود اولمرت و محمود عباس در این کنفرانس شرکت داشتند. اجلاس پس از چند روز بحث و مذاکره سرانجام بیانیه خود را صادر کرد و بر اساس آن قرار شد تا پایان سال ۲۰۰۸ میلادی دوطرف درباره مقدمات یک صلح پایدار به توافق برسند، رژیم صهیونیستی در این اجلاس سوری بودن جولان را پذیرفت و آمادگی خود را برای تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی اعلام کرد. ظاهر قضیه به نحوی بود که بسیاری از شرکت‌کنندگان اجلاس آن را یک دستاورد اساسی برای حل بحران مزمن فلسطین ارزیابی می‌کردند لکن به موازات گذشت زمان اندک اندک بسیاری از دیدگاه‌ها و نظرات تغییر کرد. در پی حمله رژیم صهیونیستی به نوار غزه در اواخر سال ۲۰۰۸، این گفت‌وگوها قطع شد.

نقشه راه برای صلح

نقشه راه برای صلح نام طرحی است برای رفع مناقشات رژیم صهیونیستی و فلسطین از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا، روسیه و سازمان ملل متحد پیشنهاد شد. این طرح در ژوئن ۲۰۰۲ توسط جرج بوش رئیس جمهوری وقت آمریکا ارائه شد. این طرح که هدف آن تشکیل دو کشور فلسطین و اسرائیل در کنار هم، خلع سلاح گروه‌های فلسطینی و آزادی اسرای فلسطینی و اسرائیلی است در شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز تصویب شده است. در این طرح، جزئیات پایان دادن به مناقشه تعیین نشده ولی شرح داده شده بود. در این طرح گفته شده بود فلسطینی‌ها باید بلافاصله تمام عملیات خشونت‌آمیز را متوقف کنند. در این طرح، یک جدول زمانی در نظر گرفته شده بود و به برقراری ثبات قبل از فیصله نهایی مناقشه، تاکید شده بود. این طرح برای ایجاد جو اعتماد بود که به مذاکرات نهایی درباره موقعیت حکومت خودگردان فلسطینیان منتهی می‌شد. اتفاقاتی که متعاقبا رخ داد نقشه راه را تحت‌الشعاع قرار داد اگرچه برای انجام گفت‌وگوها هنوز به این نقشه استناد می‌شود.

مذاکرات مستقیم ۲۰۱۰

مذاکرات مستقیم میان طرفین صهیونیست و فلسطینی که در پی حمله نظامی رژیم صهیونیستی به نوار غزه در سال ۲۰۰۸ متوقف شد، پس از آن دوطرف با میانجی‌گری آمریکا با اراک اوباما که تلاش می‌کرد روند صلح خاورمیانه را از سر بگیرد، مذاکراتی غیرمستقیم را شروع کردند. تماس‌ها میان رژیم صهیونیستی و طرف فلسطینی در ماه می ۲۰۰۹ پس از وقفه‌ای ۱۹ ماهه از سر گرفته شد. مذاکرات غیرمستقیم طرفین از طریق جرج میچل، نماینده ویژه باراک اوباما صورت گرفت. پس از ماه‌ها تلاش، هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا گفت که نتانیاهو و عباس موافقت خود را با «از سرگیری مذاکرات مستقیم و رو در رو برای حل مسائل نهایی» را اعلام کرده‌اند و آنها «بر این باورند که این مذاکرات می‌تواند ظرف یک سال به سرانجام برسد.» مذاکرات دوطرف با حضور حسنی مبارک رئیس جمهور مصر و ملک عبدالله پادشاه اردن در دوم سپتامبر ۲۰۱۰ در واشنگتن صورت گرفت. انتظار چندانی از این مذاکرات وجود نداشت و ظرف چند هفته این مذاکرات به بن بست رسید.

«ایون ریدلی»، معاون انجمن مسلمانان اروپا در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

تظاهرات مردمی آتش مقاومت فلسطین را شعله‌ورتر نگه می‌دارد

مصطفی افضل‌زاده

روزنامه‌نگار

یک سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی(ره) در ۱۶ مرداد ۱۳۵۸ پس از بمباران جنوب لبنان توسط رژیم صهیونیستی، طی پیامی خطاب به مسلمانان ایران و جهان از آنها خواستند تا آخرین جمعه ماه رمضان را به‌عنوان «روز قدس» انتخاب کنند و در این روز همبستگی خود را در حمایت از «حقوق قانونی مردم مسلمان فلسطین» به نمایش بگذارند. این روز اکنون نه در کشورهای مسلمان که در سراسر جهان نیز گرامی داشته می‌شود و مسلمانان و غیرمسلمانان در اعتراض به جنایات صهیونیست‌ها به خیابان‌ها می‌آیند. این اقدام به‌نحوی اثرگذار بوده است که صهیونیست‌ها و طرفداران‌شان نیز در کشورهای اروپایی و آمریکا، ناچار شده‌اند تظاهراتی را علیه این مراسم به راه بیندازند. نکته حائز اهمیت در رابطه با روز قدس، برخورد رسانه‌های جمعی و موتورهای جست‌وجوگر است که هر سال اقدام به تحریم این رویداد مهم می‌کنند. «فرهیختگان» در این زمینه با «ایون ریدلی»، معاون انجمن مسلمانان اروپا گفت‌وگو کرده است. ریدلی از جمله خبرنگاران سرشناس روزنامه دیلی میرور انگلستان است. او در دوره حکومت طالبان در افغانستان توسط این گروه به اتهام جاسوسی برای آمریکا دستگیر شده است. این خبرنگار پس از اشغال افغانستان توسط آمریکا، از زندان گروه طالبان آزاد شد و با بدرقه رسمی حامد کرزی به انگلستان بازگشت. ریدلی پس از آزادی و بازگشت به لندن، مطالعه قرآن و تحقیق درباره اسلام را آغاز کرد و پس از دو سال از شروع تحقیقاتش در زمینه اسلام، اعلام کرد مسلمان شده است. همچنین شبکه بی‌بی‌سی در مورد مسلمان شدن او مستندی ساخت و پخش کرد.

راهپیمایی روز قدس چه تاثیری دارد که رسانه‌های مطرح بین‌المللی با وجود گستردگی اخبار این روز، تلاش می‌کنند آن را سانسور کنند؟

روز قدس اهمیت فراوانی دارد، زیرا تنها روز سال است که به‌طور ویژه به حمایت از مردم مظلوم فلسطین اختصاص دارد. رسانه‌های جمعی علاوه بر اینکه سعی در عدم انعکاس این راهپیمایی دارند اخیرا تلاش‌هایی را آغاز کرده‌اند تا با استفاده از عدم آگاهی مردم، از تظاهرات در این روز سوءاستفاده و از حضور مردم در این راهپیمایی علیه خود آنان استفاده کنند.

برخی کارشناسان معتقدند آمریکا برای اینکه بتواند به خواسته‌های خود در فلسطین و روند سازش و آنچه آنها از آن به‌عنوان «معامله قرن» تعبیر می‌کنند برسد، ابتدا باید مساله ایران را حل کند. نقش ایران در حمایت از مردم فلسطین چیست؟

حمایت دولت و ملت ایران از مردم فلسطین همیشه زبانزد بوده است. متاسفانه به دلیل سیاست خارجی دولت‌های آمریکا و به‌طور خاص دولت ترامپ علیه ایران هر اقدامی که ایران انجام می‌دهد، بلافاصله تلاش‌ها برای وارونه نشان دادن آن در میان افکار عمومی شروع می‌شود که روز قدس هم از آن مستثنی نیست. از طرف دیگر اگر بخواهیم درباره معامله قرن که توسط دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا مطرح شده است صحبت کنیم، باید بگویم که محتوای این معامله و طرح هنوز خیلی شفاف نیست و بسیار سخت است که درباره آن سخن بگوییم؛ ولی آنچه طی ماه‌های گذشته مشخص شده این است که ترامپ هیچ احترامی برای مصوبات سازمان ملل در خصوص قدس، بلندی‌های جولان و دیگر مسائل مرتبط قائل نیست. در نتیجه اشتیاق کمی برای بررسی و پرداختن به مساله معامله قرن وجود دارد. از سوی دیگر این احتمال وجود دارد که ترامپ تصمیمش را به‌طور ناگهانی عوض کند و تصمیم دیگری بگیرد.

در حال حاضر بسیاری از کشورهای عربی برای برقراری رابطه با رژیم صهیونیستی اقدام کرده‌اند. آیا این تغییر رویکرد رهبران کشورهای عربی بر مقاومت مردم فلسطین تاثیری می‌گذارد؟

واقعیت اسفبار این است که رهبران کشورهای عربی هیچ‌گاه از مقاومت فلسطین حمایت نکرده‌اند که حالا علنی شدن ارتباطات‌شان با رژیم صهیونیستی بخواهد چیزی را عوض کند. البته با وجود بی‌توجهی سران کشورهای عربی به آرمان‌های فلسطینی، این مساله از حمایت‌های گسترده‌ای در میان مردم این کشورها نسبت به برادران و خواهران فلسطینی‌شان برخوردار است، چیزی که هیچ‌گاه رهبران عرب بر اساس آن اقدام نکرده‌اند و نخواهند کرد.

تصور می‌کنید با توجه به اخبار موجود در آینده نزدیک رژیم صهیونیستی به غزه حمله نظامی خواهد کرد؟

جنگ همیشه علیه نوار تحت محاصره غزه وجود داشته است؛ گاهی اوقات این حملات به صورت گسترده و شدید بوده و در دیگر مواقع به‌صورت آرام دنبال شده است.

برخی معتقدند راهپیمایی و شعار دادن کمکی به مردم فلسطین نمی‌کند. آیا واقعا چنین است؟

این مساله نه تنها باید برای مردم ایران مهم باشد، بلکه به خاطر جهانی بودن این موضوع همه مردم دنیا نیز باید نگران وضعیت فلسطین باشند. اگر واکنشی نداشته باشیم این پیام اشتباه به صهیونیست‌ها داده می‌شود که افکار عمومی نسبت به تجاوزها، اشغالگری‌ها و حملات بی‌پایان آنها علیه مردم فلسطین بی‌تفاوت شده است و همین موضوع باعث خواهد شد آنان در ادامه حملات‌شان جری‌تر و جسورتر شوند. اقدامات جمعی مانند تظاهرات گسترده مردمی بسیار اهمیت دارد، زیرا آتش مقاومت را در وجود مردم فلسطین شعله‌ورتر نگه می‌دارد. همین که شما از ایران با من در انگلیس در این خصوص صحبت می‌کنید، نشان می‌دهد هنوز این مقاومت ادامه دارد و گرم است.